



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۲۹

رفعت حسینی

## نقد عقلانی شعر گذشته پارسی

نیشته آقای باری جهانی را در مورد چند نگاشته ام در مورد شاعران پیشین پارسی، در سایت افغان جرمن آنلاين مرور نمودم .

به پنداشت من:

دفاع کردن از شاعران کلاسیک پارسی زبان:

یک آناتیکه پوسیده اندیش و خرافی بودند

دو پیامد احان زمامداران مستبد

۱/ دفاع از [مولانا!!!] کبیر فرخاری می باشد که چند سال پیش در وضعیت دلخواه مفتخوری (پناهندگی) در وانکور کانادا، شعری درخایه مالی و پاپوسی گلم جم دوستم نوشت.

۲/ دفاع از [استاد!!!] خلیل الله خلیلی است که خایه های جنرالی ضیاالحق رئیس جمهور پاکستان را در شعری ستایشی مالید و استغاثه نمود که بر افغانستان، چون حیدر کرار، حمله کند و بیخدايان را مضمحل سازد و درهم بشکنند.

۳/ یا دفاع از [نجم العرفا!!!!] حیدری وجودی پنجشیری است که خایه های مارشالی قسیم فهیم پنجشیرزاده چپاولگر را مالید و در مدح او شعر نوشت و وی را مقاومتر تاریخ نامید.

۴/ دفاع از آن شاعران خلقی - پرچمی می باشد که با اسناد ماستری و دکتورا در مدح حزب آدمکش خلقی شعروسرود ساخته است.

\*\*\*

من سال هاست بر شعر شاعران سده های گذشته پارسی، از کلکینی که نقد عقلانی شعر و ادبیات است می نگرم. بدین سبب، به حقیقت تلخ و ننگین و شرم آوری پی برده ام:

باسوادان علاقمند به ادبیات، درسزمین های پارسی زبان، به اندیشه ها و شعرهای سخنوران کلاسیک جغرافیای ایران - افغانستان - تاجیکستان، با {بی خریدی کامل و نفهمی تمام} نگرسته اند. بنابراین [چشم بستن بر گناهان و جنایات ادبی بی شمار و نامعدود] حافظ و عنصری و جلال الدین رومی و قاتانی و عطار و فرخی سیستانی و سعدی و منوچهری و معزی و جامی و مسعود سعد و سنایی و وووو بوجود آمده است . درین زمینه ((اغماض و چشم بستن قصدی)) صورت پذیرفته است. منظور من، اغماض قصدی خودخواسته آگاهان و دست اندرکاران ادبیات و هنر می باشد. و این چشم پوشی، خودش، ارتکاب نوعی جنایت در همزیستی همگانیت.

شاعر هنرمند و نویسنده هنرمند و فیلمساز هنرمند و موسیقی دان و نقاش و خوشنویس هنرمند، با افراد دیگر در یک جامعه انسانی و (بایست گفته شود) با ستمگران زمام دار، تفاوتی چشمگیر و لازمی و حتمی دارند. شاعر، نویسنده، فیلمساز، موسیقی دان، نقاش و خوشنویس، در کنار آرام ساختن و فراهم نمودن تسلا و لذت بخشیدن روانی مردم، دارنده برترین گوهر زندگی یعنی دارنده و صاحب و خلاق <<هنر>> هستند . مگر و مگر و مگر

داشتن این حیثیت معنوی - فرهنگی یعنی « هنرمند» بودن، بردوش شخصیت {انسانی} هنرمند، کوه هایی را نیز گذارده است:

وجیه اجتماعی و وظیفه اخلاقی و رسالت هنری را .

ستم و نابرابری را نكوهیدن و لزوم زیست مدنی و رفاه انسانی را گسترانیدن.

در هیچ کتاب تاریخ ادبیات پارسی، منتشر شده در دهه های سی، چهل، پنجاه در ایران، هیچ تذکری از پوسیده اندیشی، خرافاتی و غیر عقلانی بودن شاعران پیشین، حتا در یک سطر و پرگراف، تذکری وجود ندارد .

همچنان در چند کتاب نقد، نقد شعر گذشته وجود ندارد . فقط و تنها، تمجید و ستایش است .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

چرا نباید از کاستیها در وجدان و بدان دلیل در کار شاعران پیشین تذکری ندهیم. ندادن این تذکر جرم اجتماعی است.

هنگامی که سعدی می گوید:

زن نوکن ای دوست در نوبهار

که تقویم پارینه ناید به کار

این دوست شفیق شیخ!!! سعدی در واقع پدرش و آنزن مادر اوست. یعنی سعدی اینقدر بی معرفت است. اگر این بیت سعدی وزن ستیزی های دیگر و ابیات مثل خرافی بودن او را چشم پوشی کنیم و برای پُرکردن مقال و خزعبلات خود، از چند حکایت و یا << نظم >> او در نمیدانم بوستان و نمیدانم گلستان جفنگ ها بیافیم، تنها و تنها حماقت خویشتن خویش را ارانه می نمایم.

وقتی بیدل میل [ ] کاکه گی [ ] می کند و بی خردانه اینگونه جیغ می زند:

این رافضیان که امت شیطان اند

سخت بی دین اند و پُر بی ایمانند

رافضی: دشنام دهنده به ابوبکر و عمر و عثمان [شیعه]

در وقتی دگر کاکگی اش بنا بر فرسوده اندیشی یادش می رود و مانند یک شیعه امت شیطان می شود و در

مدح علی فریاد سر می دهد:

لب بت گریه تعظیم مقامش یا علی گوید مدح

به نوری آشنا گردد که آرد کعبه ایمانش

و در مدحی دیگر در وصف حسن و حسین چون یک رافضی می نویسد:

بیدل بهر کجارج ابری نشان دهند

در ماتم حسین و حسن گریه می کند

با دفاع [ ناروا و بیگانه با خردمندی ] از شعر کلاسیک و سخنوران پیشین پارسی، نمی توان سند « مدنی - فرهنگی - انسانی » بودن را برای شیوه سخنوری و شاعران آن زمانها فراهم نمود.

///